

خدایان

رابرت گرین اینگرسول (1871)

ترجمه: اعظم کم گویان

گردآوری: شارمین مهر آذر

Sh.mehrazar@Gamil.com

پایه گذار یک دین باید بتواند آب را به شراب تبدیل کند، با اوراد و الفاظ، نابینا را بینا و معلول را سالم کند و با یک تماس مختصر جسمی، مرگ را به زندگی تبدیل سازد. چنین کسی برای نگهداشتن پیروان بربرش لازم بود نشان دهد که از طبیعت برتر است. در دوران جاهلیت، انجام این کار آسان بود. زودباوری و ساده انگاری مردم وحشی و تمدن نیافته بی حد و حصر بود. برای آنها چیز خارق العاده و عجیب، زیبا به نظر می آمد؛ هر چیز اسرار آمیزی والا و متعالی بود. هر مذهبی از اساس یک معجزه است؛ زیر پا گذاشتن طبیعت است و در نتیجه دروغین است.

هیچکس در کل تاریخ جهان، تلاش نکرده حقیقتی را با یک معجزه اثبات کند. قدرت حقیقت، قدرت معجزه را پشت سر می گذارد. هیچ معجزه ای هرگز در جهان اتفاق نیفتاده و هیچ انسان عاقلی هرگز فکر نکرده که معجزه می کند و تا زمانی که معجزه ای بوقوع نیبوند، هیچ مدرکی دال بر وجود نیرویی مافوق و مستقل از طبیعت وجود ندارد.

کلیسا می خواهد ما به خدا ایمان داشته باشیم. بگذارید کلیسا یا یکی از مقدسین با نبوغش، معجزه ای بیافریند، آنوقت ما به خدا ایمان خواهیم آورد. به ما می گویند طبیعت را نیروی مافوقی می چرخاند. بگذار این نیروی مافوق حتی برای یکبار هم که شده طبیعت را کنترل کند، آنوقت ما به حقانیت کلیسا و خدا اذعان خواهیم کرد.

ما حرفهای زیادی را شنیده ایم. ما به سخنان پوچ و بی ایده د گیج کننده شما گوش دادیم. ما انجیل شما را که بهترین اثر فکریتان است را مطالعه کرده ایم. ما نماز و دعاهای شما را شنیدیم و به آمین و یا رب العالمین های شما گوش کردیم. همه اینها رویهمرفته از هیچ هم کمترند. ما فاکت می خواهیم. ما در کلیسای شما را می کوئیم و فقط یک فاکت را استدعا می کنیم. ما ارادتمند و چاکر شما می شویم و در احترام به شما کلاهمان را بر می داریم اگر شما بتوانید همان یک فاکت را به ما ارائه کنید. واقعیت این است که ما همه چیز را در مورد حرفهای هیروتی و پوچ و معجزه های شما می دانیم. ما حقیقت را می خواهیم. ما فقط یک فاکت می خواهیم. یک فاکت را به ما صدقه بدهید.

معجزه های شما باستانی و عتیقه شده اند. شهود شما تقریباً دو هزار سال است که مرده اند. اعتبار آنها برای حقیقت و حقیقت جویی در محلی که اقامت داشتند برای ما کاملاً ناشناس است. به ما یک معجزه عرضه کنید و آن را با شهودی که همچنان و هنوز در این دنیا زندگی می کنند، ثابت کرده و مادیت

بخشید. ما را برای شنیدن شیپورهای بادی به جریکو نفرستید، ما را برای عبور از دیا با کاپیتان یونا نفرستید و برای صرف غذا با آقای ازکیل نفرستید. فرستادن ما به شکار روباه با سامسون هیچ فایده ای ندارد. ما هیچ علاقه ای به سخنان بلیغ و فصیح خر بالام که به او الهاماتی شده بود، نداریم. مطلقاً بی فایده است که به ما ماهی هایی را نشان بدهید که پول در دهانشان است. ما معجزه جدیدی می خواهیم و همین حالا هم می خواهیم یا کلیسا حداقل یک معجزه جدید به ما عرضه می کند یا باید در دکانش را برای همیشه تخته کند.

در زمانهای قدیم، کلیسا با پایمال کردن طبیعت به خدای خود مادیت داد. در آن زمانها، معجزه ها بسادگی وقوع می یافتند. آنقدر عادی شده بودند که کلیسا به کشیشان دستور داد که دست بردارند. و حالا همین کلیسا، زمانی که مردم عاقل تر شده اند، اذعان می کند که نه تنها نمی تواند معجزه ای بیافریند بلکه مصر است که غیبت یا فقدان معجزه و زنجیره مستمر و مداوم علت و معلول، وجود یک قدرت مافوق طبیعت را اثبات می کند. اما واقعیت این است که زنجیره مستمر علت و معلول دقیقاً عکس ادعای کلیسا را ثابت می کند.

طبیعت مجموعه یک سری از علل موثر است. طبیعت خلق نمی کند بلکه تغییر می دهد. هیچ آغازی نبوده و پایانی هم نخواهد بود. بهترین اذهان و افکار حتی در دنیای دینی اذعان می کنند که هیچ مدرکی در طبیعت مادی مبنی بر وجود آنچه که آنها خدا می نامند، وجود ندارد. تنها دلیل و مدرک آنها، پدیده هوش و هوشمندی است و آنان معصومانه می گویند که هوشمندی بر طبیعت مسلط است و در واقع مخالف طبیعت است. آنها اصرار می کنند که انسان، حداقل یک موجود ویژه است که در نقطه ای از مغزش، یک نقطه الهی موجود است، بخشی از اولین و بزرگترین علت. آنها می گویند ماده نمی تواند فکر و ایده را بوجود بیاورد اما ایده قادر است ماده را ایجاد کند. آنها می گویند انسان واجد هوش است و بنا براین باید هوشمندی بالاتر از انسان موجود باشد. چرا نمی توانیم بگوئیم که خدا با هوش و با نبوغ است از این رو باید نیرویی با هوشی بیشتر از او، وجود داشته باشد؟

تا آنجا که ما می دانیم هیچ نوع هوشمندی و نبوغی بجز ماده موجود نیست. ما نمی توانیم فکر و ایده ای را مگر اینکه از مغزهایمان تراوش کرده و بوجود آمده باشد، ایجاد کنیم.

علمی که مذهبیهون توسط آن، می کوشند وجود یک نیروی توانا و قدرت عقلی بالا را ثابت کنند، متافیزیک یا الهیات شناسی است. الهیات شناسان تصدیق می کنند که پدیده ماده می رود تا وجود هر نوع قدرت مافوق طبیعت را رد کند چون در این پدیده جز یک زنجیره بی پایان علل موثر یا یک ضرورت مکانیکی نمی بینیم. از این رو آنها برای اثبات نیروی مافوق طبیعت رو به پدیده ذهن و فکر می برند.